

چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۹ ۱۹ رجب ۱۴۴۲ = ۳۰ مارس ۲۰۲۱

خبر کوتاه

روود به محوطه جریمه یعنی گال؛

جانشین آل کثیر از قلب دفاع می‌آید

پرسپولیس در اولین بازی نیم فصل دوم خود موفق شد تیم سایپا را با نتیجه یک بر صفر شکست داده و بار دیگر صدر را از سپاهان پس بگیرد. تک گل این دیدار را سید جلال حسینی به ثمر رساند، مدافع ۳۹ ساله‌ای که به اندازه چهار فصل گذشته خود در این فترت گل زده است تا جای خالی عیسی آل کثیر، مهاجم محروم سرخ‌ها نیز احساس نشود. فوتبال خیلی از بازیکنان به سه مقطع تقسیم می شود. مقطع اول زمانی است که یک بازیکن در سال های ابتدایی فوتبالش قرار دارد؛ تلاش می کند، می جنگد و می درخشد تا دیده شود. اگر این تلاش ها کمترثمر باشند، بازیکن یاد شده وارد مقطع زمانی دوم خواهد شد؛ مقطعی که مهمترین بخش فوتبالی یک بازیکن را شامل می شود؛ در این مرحله است که او جذب باشگاه های بزرگ می شود و جایگاهی ثابت هم در تیم ملی کشورش پیدا می کند. حفظ این مقطع زمانی بسیار سخت است و معمولاً نسبت به توانایی ها و زندگی شخصی هر بازیکن، متفاوت است. بعد از چند سال که این مقطع به پایان رسید، مقطع سوم از راه می رسد؛ مقطعی که بازیکن یاد شده دیگر جایی در تیم ملی ندارد و نزول باشگاهی اش نیز شروع شده است؛ اینجااست که باید آقای بازیکن نقش هایش را بپایوزد مگر آن که با یک سوپر استار طرف باشیم، سید جلال حسینی به واسطه درخشش در عرصه باشگاهی به یکی از یاران ثابت تیم کی روش تبدیل شد. سرمربی پرتغالی تیم ملی اعتقاد خاصی به سید جلال داشت و در تمامی بازی ها او را در ترکیب اصلی تیمش قرار می داد. البته پیش از کی روش نیز، حسینی به جایگاه دلخواهش در تیم ملی دست یافته بود؛ شاید وقتی سید جلال مقابل ازبکستان در جام ملت های آسیا ۲۰۰۷ آن گل را با سر زد همه قبول کردند که او بازیکنی است که می تواند به درد تیم ملی بخورد و همین بازیکن تا سال های سال در تیم ملی بود و ۱۱۵ بازی ملی را در کارنامه خود ثبت کرد. شرایط اما همیشه به سود ستاره ها نیست و سید جلال در اوج کار خود در پرسپولیس و تیم ملی و پس از اینکه همراه با تیم ملی تا رسیدن به جام جهانی ۲۰۱۸ حضور داشت، با حذف نامش در لیست نهایی، با یک شوک بزرگ مواجه شد؛ شوکی که بر اساس عرفی که در بالا به آن اشاره کردیم، مدافع پرسپولیس را ناخوشانه وارد مقطع سوم کرده که باید در آن نیم نگاهی به کش هایش را می انداخت؛ غیبت حسینی در لیست نهایی و در عین اشتقاقیات زیادی به همراه داشت و خیلی ها عقیده داشتند که این اتفاق در آینده فوتبالی مدافع پرسپولیس تاثیر منفی خواهد گذاشت. سید پرسپولیسی ها اما مصمم تر از این حرف ها بود. او به راهش ادامه داد و تا قهرمانی چهارم، کیفیت خود را به حدی بالا نگه داشت که پشت سرخ پوشان در بازی های بزرگ به او گرم باشند.اا این ها هم برای سید جلال کافی نبودند. او می خواست فرق بین بودن و نبودنش کاملاً احساس شود؛ اینجا بود که ماجرا درام تر از همیشه دنبال شد؛ درامی که در عین واقعیت به تخیل می مانست، چیزی شبیه داستان های “سبک ”جریان سیال ذهن“؛ جریان سیال ذهن/سیلان ذهن شکل خاصی از روایت داستان است که مشخصه‌های اصلی آن پرش‌های زمانی پی در پی، درهم ریختگی دستوری و نشانه‌گذاری، تبئیت از زمان ذهنی شخصیت داستان و گاه نوعی شاعرانگی در زبان است! در این گونه داستان ها، نویسنده مدام در زمان های متفاوت به نقل روایت خود می پردازد؛ چند خط در زمان حال، چند خط در زمان گذشته و چند خط در زمان آینده؛ به گونه ای که خواننده در میان زمان ها می شود اما در عین حال از خواندن داستان لذت می برد… درست مثل شرایط فعلی کاپیتان پرسپولیسی ها! او روی کاغذ ۲۹ سال سن دارد، اما مثل یک مدافع جوان و جویای نام می دود و انگیزه دارد؛ حتی اگر در دقیقه ۹۰ وارد زمین شود. او این فصل به اندازه چهار فصل اخیر خود گل زده است! او بیشتر از تعداد انگشتان یک دستش قهرمانی لیگ برتر دارد و تعداد بازی های ملی اش سه رقیب اصلی است اما باهم عطف موفقیتش در او اوج می زند؛ با این تفاسیر آیا شما هم موافق این نیستید که داستان سید جلال در دنیایی دیگر در حال رقم خوردن است؟! دنیایی که سید جلال را به بازیکنی تبدیل کرده که در ۳۹ سالگی، نبودنش در یک بازی، اولین و آخرین باخت پرسپولیس در نیم فصل اول را به همراه دارد؛ دنیایی که یک مدافع در آستانه چهل سالگی، سه بار تک گل های سه امتیازی می زند و مثل یک جوان ۲۰ ساله از دفاع به حمله و از حمله به دفاع تغییر مکان های متعدد می دهد. پرسپولیس در هفته دوازدهم در تنها بازی فصل حسینی را به دلیل مصدومیت نداشت و همین یک بازی، تنها باخت فصل را برای سرخ پوشان به همراه داشت. بعد از این بازی، پرسپولیس ۶ برد متوالی کسب کرده که نصف این بردها با تک گل های سه امتیازی سید جلال به دست آمده اند؛ بله این یک داستان واقعیتست…

در انتظار تحقق وعده‌های رئیس جدید

انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال، پس از حدود یک سال تأخیر با پیروزی شهاب عزیزی خادم به پایان رسید و حالا مهم‌ترین سؤال نزد هواداران فوتبال این است که آیا شروع دوره جدید به معنی تحول در مدیریت فوتبال خواهد بود یا قرار است اوضاع طبق روال فاجعہ‌بار قبل ادامه پیدا کند؟! این بدبینی عمومی نتیجه اشتباهات و کم‌کاری‌های زیادی است که در ادوار قبلی فدراسیون فوتبال رخ داده، با وجود این نامیدی چاره کار نیست، فوتبالی که تاریخی‌ترین لحظه‌اش حساسه ملبورن بوده، همیشه باید به جبران و بازگشت خوشبین بماند. شروع کار فدراسیون جدید هم می‌تواند سراغاً اتفاقات خوب باشد و به کالوس سوءمدیریت‌ها پایان بدهد. اولین وجه مثبت این انتخاب پایان پلاتکلیفی فدراسیون است که از زمان استعفا ی تاج شروع شده بود. فوتبال ایران در ماه‌های اخیر سکنداری نداشت و از این بابت آسیب زیادی دید. با شروع کار رئیس جدید انتظار می‌رود که تکلیف موضوعات کلان فوتبال زود روشن شود و فوتبال ایران دوباره به ریل اصلی برگردد.اولین مأموریت مهم عزیزی خادم سر و سامان دادن به وضعیت تیم ملی است که در شرایط بحرانی قرار دارد. تاج در آخرین پرده ریاستش با انتخاب ویلموتس تیم ملی را به لبه پرتگاه فرستاد و در کنار آن زبان مالی بزرگی به فدراسیون زد. زمان زیادی تا دور برگشت مقدماتی جام جهانی نمانده و احتمالاً فرصتی برای تغییرات اساسی نخواهد بود. ولی می‌توان با تدارک بهتر و فراهم کردن بازی یا بازی‌های دوستانه جدید کمک کرد که تیم ملی به بهترین شرایط وارد مسابقات شود. عزیزی خادم در نشست خبری دیروز وعده داد که نگاه نو و توسعه‌گرایی در فدراسیون برقرار شود. او پیش از انتخابات هم برنامه مفصلی ارائه کرد و حالا نگاه خانواده فوتبال به فدراسیون جدید است که به سمت این دورنمای جدید قدم بردارد. البته پیاده شدن این ایده‌ها نیاز به زمان دارد، ولی در صورتی که فدراسیون جدید در کوتاه مدت قدم‌های مثبتی بردارد و نشانه‌های تحول آشکار شود، قطعاً با حمایت رسانه‌ها و صاحب‌نظران روبه‌رو خواهد شد.ا دیروز یک بار دیگر گفت که در فدراسیون جدید از چهاره‌ای متخصص استفاده کرده و وعده‌ای که در صورت عملی شدن می‌تواند چهره فوتبال ایران را دگرگون کند و اثرات مثبت آن خیلی زود آشکار خواهد شد. در سال‌های گذشته ورود به چرخه مدیریت فوتبال نه بر اساس شایستگی و تخصص که بیشتر بر اساس روابط تعریف می‌شد و یکی از دلایل نزول و سقوط فوتبال همین پابندبازی‌ها بوده است. اگر عزیزی خادم بتواند ترکیب فدراسیون را تغییر بدهد و پای چهره‌های لایق‌تری را به این عرصه باز کند، قطعاً اعتبار فدراسیون جدید را افزایش می‌دهد و ثمره آن به همین مجموعه می‌رسد.فوتبال ایران در حوزه مدیریت، بازاریابی و توسعه نیاز به ایده‌های جدید دارد، ولی آنچه هواداران و عموم مردم بیشتر به آن حساسیت نشان می‌دهند، وجه فنی فوتبال و تقویت آن است و فدراسیون باید توجه ویژه‌ای به آن نشان بدهن. عزیزی خادم در برنامه‌هایش از اضافه کردن یک مدیر فنی خارجی به چارت فدراسیون خبر داد و عملی شدن این موضوع می‌تواند کمک بزرگی برای پیشرفت فوتبال باشد.انتخاب و جذب چنین چهره‌ای در کوتاه‌مدت مبسر است و ثابت می‌کند که رئیس جدید پای حرف‌هایش ایستاده است. انتخابات اخیر فدراسیون بسیار فشرده و نزدیک بود و عزیزی خادم کار سختی برای رسیدن به صندلی ریاست داشت، ولی مأموریت دشوارتر او از امروز شروع می‌شود و حالا توپ در زمین اوست که بتواند فوتبال ایران را گام به گام به جلو ببرد. البته می‌دانیم که فوتبال برای تغییر با چه موانع مختلفی روبروست، ولی اگر اراده واقعی برای تغییر باشد، می‌توان انتظار داشت که اتفاقات مثبت هرچه زودتر از راه برسد.

خطیبی و نیمکت بی‌وفای دره گرگ‌ها

واگذاری تراکتور به بخش خصوصی و تبدیل آن از یک باشگاه نظامی برای پذیرش فوتبالیست – سربازها به یک پیششار در باشگاه‌داری خصوصی کشور، در تابستان سال ۹۷ یکی از تیرهای درشت رسانه‌ها به شمار می‌رفت، حتی از دید برخی کارشناسان، این تحول نقطه عطفی می‌توانست باشد در ورود بخش خصوصی به محبوب‌ترین ورزش کشور. وضعیت کنونی دره گرگ‌ها اما شباهت چندانی به رویاهای رنگارنگی که مالکان جدید باشگاه در ذهن پرشورهای تبریزی می‌پروراندند، ندارد. شاید بتوانیم نماینده سرخ‌پوش شمال شرق کشور را یکی از متمول‌ترین باشگاه‌های ایران در وضع نابسامان اقتصادی کنونی بدانیم. با این حال، جای خوش کردن تراکتور در پله هفتم جدول نیم‌فصل، این پیام را به‌روشنی می‌رساند که همیشه نمی‌توان موفقیت را با هزینه به چنگ آورد.این را نمی‌توان به طور کامل گفت که روی آوردن تی‌ها به نبردهای بومی صرفاً با اجبار قانون منع جذب خارجی‌ها رخ داده یا محمدرضا زنوزی، مالک باشگاه نیز خود در مضيقه مالی قرار گرفته اما آنچه مبرهن است این است که در همین نیم‌فصل، دو سرمربی داخلی در کلام مدیریت باشگاه رای اعتمادی قاطع گرفتند اما دیری نپایید که نگاه‌ها هردو سست شد تا نیمکت تراکتور را از دست بدهند. انتصاب علی‌رضا منصوریان برای هدایت تراکتور هم‌قدر ناجبا بود که عزل نسنجیده او پس از تنها پنج مسابقه. پس از برکناری منصوریان نیز باشگاه از تعیین جانشین وی نیز عاجز بود. از همین رو، به ناچار نیمکت تیم را به مسعود شجاعی سپرد و با تکیه بر کارنامه درخشان وی به‌عنوان یک بازیکن، او را آینده سرمربیگری کشور نامیده و نیمکت پرشورها را به وی سپردند؛ در حالی که نه‌تنها چنین ستمی باب میل وی نبود، بلکه مسعود لالیگایی می‌توان گزیده‌ای نسبتاً مناسب برای جانشینی شجاعی عنوان کرد اما تنها با توجه به بازار سته و محدود فعلی مربیان؛ فردی از جنس فوتبال تبریز که جوانی و تجربه و در عین حال با هم دارد. ۴۲ سال سن و عالی‌ترین سطح مدرک مربیگری فیفا را دارد. یک سرمربی نسبتاً جسور که ار‌اکی‌ها را پس از مدت‌ها در بالاترین سطح فوتبال باشگاهی ایران صاحب نامبند کرده. آلمونیموم خطیبی در نیم‌فصل نخست البته در مالکیت توپ و وقت پاس آمار پایینی را ثبت کرده بود. با این حال، با به‌ره‌وری از ضربات ایستگاهی و ضدمات و انتقال سریع از دفاع به حمله، خطیبی توانسته هم چن تراکتور را بخواباند و هم تنها شکست پرسپولیس تا اینجای لیگ را رقم زده باشد. با توجه به اینکه هم‌اکنون گزینش‌های داخلی برجسته‌تری نظیر الکس توری و علی دایی در دسترس تراکتوری‌ها بوده‌اند و قرمزها ماهه‌ها توان جذب آنان را نداشتند، اعتماد دوباره به رسول خطیبی پخته‌تر تصمیم غلطی به‌شمار نمی‌رود. اما نباید فراموش کنیم که شجاعی لطف‌های از هدایت تراکتور، استعفا کرد که باشگاه علی‌رغم میل باطنی سرمربی‌اش، لیست ورودی و خروجی خود در نیم‌فصل را منتشر کرد. از خارجی‌های گران‌قیمتی چون توشاک و دنیزلی تا منصوریان و شجاعی اگر حتی یک سهمیه آسیایی را به‌دش‌واری برای قرمزهای تبریز به ارمغان می‌آورد، رد آن را در تصمیم‌گیری نسنجیده و بدون برنامه مدیران تیم برای این نیمکت بی‌وفا و البته عدم قطعیت آنان در حمایت از انتخاب‌هایشان باید جست؛ علتی که خود می‌تواند معلول تغییرات گسترده و از هم گسیخته مشابهی در سطح مدیریت باشگاه باشد.

استیجاریان

روزنامه‌صح ایران

اصولی عضو جدید هیات رئیسه فدراسیون فوتبال:

برنامه‌های جدید روی سیستم عامل قدیمی اجرا نمی‌شوند



چطور مجمع فدراسیون فوتبال به یک چهره و پیشکسوت فوتبالی اطمینان نکرد.

اولا باید یک اصل را بپذیریم. وقتی کسی در یک سازوکار انتخابی که همه‌چیز آن مشخص و شفاف است، شرکت می‌کند و فرایند انتخابی را می‌پذیرد و می‌آید و در این سازوکار قرار می‌گیرد باید همه جوانب را سنجیده و وقتی هم که نتیجه نمی‌گیرد نباید سازوکار را زیرسوال ببرد چون در ابتدا همه‌چیز را پذیرفته است که به انتخابات ورود کرده است. یک زمان هست کسی سازوکار را قبول ندارد و می‌گوید اشتباه است و از اول هم نمی‌آید اما وقتی کسی پذیرفت و آمد و در سازوکار قرار گرفت به نظر من دیگر زیرسوال قرار دادن آن شایسته نیست و جای بحث دارد. نکته دیگر اینکه یکی از ویژگی‌های کار دموکراتیک و رای‌گیری همین است خیلی‌ها تصورشان این است که یک اتفاق می‌افتد اما در عمل اتفاق دیگری رخ می‌دهد و این موضوع یکی از شگفتی‌های دموکراسی است که اتفاقا برآوردها و محاسبات به‌گونه‌ای دیگر است اما در درون افکار اشخاص ممکن است به‌گونه‌ای دیگر عمل شود اما درنهایت زیرسوال بردن سازوکار خیلی برای کسی که به این سیستم آمده و خودش را در بوته آزمون قرار داده جالب نیست که اگر من رای آوردم، سازوکار خوب است اما اگر رای نیاوردم بد است. این امر خیلی نمی‌تواند مطلوب جامعه باشد، به هر حال مردم آگاه هستند و می‌دانند اگر کسی در این محیط قرار می‌گیرد پس همه‌چیز را پذیرفته است.

علی کریمی به لابی‌کردن اعتقادی نداشت اما به نظر می‌رسید همین لابی کردن درنهایت نفرت منتظر از مشخص کرد با این موضوع چقدر موافق هستیم؟

بالاخره لابی و گفت‌وگو و مذاکره و معرفی کردن یکی از ابزارهای انتخابات است و هرکس که می‌خواهد خودش را عرضه کند نمی‌تواند خودش را معرفی نکرده و برنامه‌هایش را نکوید و دیالوگ برقرار نکند و بعد انتظار داشته باشد دیگران از او شناخت کافی داشته باشند و رای هم بیاورد. اگر منظوراتان از لابی گفت‌وگو، عرضه و ارائه افراد است که این موضوع اصلا ابزار همه انتخابات‌ها در همه جای دنیا است و همه‌جا این موضوع را پذیرفته‌اند، در هر صورت هرجایی که انتخابات باشد باید خدوتان را معرفی کنید. لابی کردن جزء اول و ابزارهای شکل‌دهنده انتخابات است اما اگر منظوراتان اعمال نفوذ و اعمال فشار و این صحبت‌هاست باید بگویم که این یک بحثی است که من ندیدم و به هیچ عنوان به‌عنوان یکی از اعضای مجمع نه آن را دیده‌ام و نه تجربه کردم و نه می‌توانم تایید کنم.

تا پیش از این به نظر می‌رسید با انتخاب عزیزی خادم نقشه راه فدراسیون قبلی ادامه پیدا کند اما در عمل فعلا با ترکیب جدید هیات‌رئیسه

بودن را مطرح نکردند اما من یک سوال دارم و دوست دارم این را مطرح کنم با این مقدمه که اگرچه بزرگ‌ترین چهره‌های فوتبال این مملکت بسیار ارزشمند هستند و حضور آنها و وجودشان بسیار حائزاهمیت است اما برای اداره فدراسیون آیا به متخصص‌های متنوع نیاز داریم؟ یعنی ما بحث مدیریت را به‌عنوان یک تخصص نمی‌دانیم؟ یعنی رشته‌ای به اسم مدیریت که در دانشگاه‌ها ساعت‌ها در حوزه‌های مختلف تدریس می‌شود و به هر حال مقالات علمی زیادی در این خصوص وجود دارد، واقعا این رشته را نمی‌بینیم که بگویم این هم یک حوزه تخصصی برای اداره کردن امور است و باید به آن توجه کرد؟ مطمئنا اگر یک عزیز فوتبالیست به پزشک نیاز داشته باشد به سراغ پزشکی می‌رود که تخصص داشته باشد. منظور من این است که برای اداره یک سازمان مثل فدراسیون فوتبال نیاز به تخصص مدیریت و تجربه مدیریتی و ظرفیت‌های مدیریتی داریم که برهمین اساس در این خصوص کسانی که علاقه‌مند هستند در این حوزه فعالیت و کار کنند و در اثرگذاری فوتبال نقش داشته باشند پیشگام شده تا بتوانند امور را پیش ببرند و مطمئنا این موضوع اتفاق بدی محسوب نمی‌شود.

دوستانی که به قول مصطفوی این بدهی را بالا آوردند، تخصص مدیریت نداشتند یا فضا به ستمی رفت که این اتفاق افتاد؟

به هر حال درباره بدهی که از آن صحبت می‌کنید باید نشست و ماجرا را کامل سنجید. بالاخره درخصوص آقای ویلموتس در بحث نقل و انتقال وجه حتما مشکلاتی وجود داشته که باید این مشکلات را کامل سنجسیم، ضمن اینکه خود قرارداد را هم باید بررسی کنیم. در هر صورت می‌تواند در هر سازمانی خبط و خطا باشد اما اگر خطایی هم وجود داشته باشد، به‌طور مثال یک پزشک اگر یک داروی اشتباهی را تجویز کرده و تشخیص اشتباه بدهد آیا شما کلا علم پزشکی را زیرسوال می‌برید. یعنی اگر حال‌مان بد شد نزد هیچ پزشک دیگری نرویم؟ نباید این اتفاقات بیفتند و اگر در مدیریت هم کسی ضعیفی دارد یا مشکلی دارد یا مشکلی را به وجود آورده، حتی اگر این اشکالات به کرات اتفاق افتاده نباید اصل موضوع را زیرسوال ببریم، باید ببینیم که در آینده به چه شکلی می‌توان این موضوع را تنظیم کرد که به یک شرایط مطلوب و مطبوع برسیم. من احساس می‌کنم فضای جدیدی که حاکم شده بالاخره یک نوع تغییر نسل و تغییر ورژن را در آن شاهد خواهیم بود که با این اتفاق، من خیلی امیدوارم شاهد تگانها و رویکردهای جدید با استفاده از ظرفیت‌های مکتثری که در اختیار این سازمان وجود دارد، باشیم و خیلی از مشکلات را این‌شاء‌الله یکی‌یکی برطرف کرد.

بعد از اینکه علی کریمی کمترین آرای مجمع را به خود اختصاص داد خیلی‌ها انتقاد کردند که با روش خود در گذشته زلاتکو کرانچار، سرمربی کروات که سابقه مربیگری در تیم‌های پرسپولیس و تیم ملی امید ایران را در کارنامه دارد، فوتبال‌دوستان ایرانی را متاثر کرد. این مربی ۶۵ ساله روز گذشته و پس از سپری کردن یک دوره کوتاه‌مدت بیماری، درگذشت و فوتبال کرواسی را عزادار کرد. کرانچار حدود دو هفته پیش به‌دلیل مشکلات کبد در بیمارستانی در کرواسی بستری شد و به‌تدریج حال او رو به وخامت گذاشت تا درنهایت این بیماری منجر به مرگ او شد.

زوران ملینوویچ، رئیس‌جمهور کرواسی در پیامی برای او نوشت:

«کرانچار درگذشت تا فوتبال کرواسی یکی دیگر از مربیان بزرگ و تاثیرگذار خود را از دست بدهد. این دست ما نیست که بگویم مرگ یک فرد زودهنگام بود و حالا زمان مناسبی برای درگذشت او نبود اما کرانچار تنها ۶۵ سال داشت و به‌خوبی در ذهن مردم که در سال ۱۹۷۴ یکی از دوستانم به تمجید از یک بازیکن آینده‌دار پرداخت و گفت که کرانچار آینده خوبی در پیش دارد. من بازی‌های او را نه به‌عنوان یک هوادار دینامو بلکه به‌عنوان یک طرفدار فوتبال دنبال می‌کردم و از تماشای بازی او لذت می‌بردم. مدت‌ها پیش برای آخرین‌بار او را دیدم و بسیار متأسفم که او را از دست دادیم.»

سایت «خواترنجی» کرواسی نیز در گزارشی از دوران حضور این مربی موفق در فوتبال این کشور می‌نویسد: «زلاتکو چیکو کرانچار، مربی باسابقه فوتبال کرواسی روز دوشنبه بر اثر بیماری درگذشت. او از ۱۰ روز پیش به بیمارستانی در زاگرب منتقل شد تا تحت مداوا قرار گیرد اما

مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال یکشنبه دهم اسفندماه برگزار شد و طی کی فرایند تقریباً شفاف اعضای منتخب کشور ازجمله ریاست جدید فدراسیون فوتبال و نایب‌رئیس بانوان و سایر اعضای هیات‌رئیسه توسط مجمع انتخاباتی انتخاب و معرفی شدند. رئیس جوان هیات فوتبال استان خراسان‌رضوی و عضو شورای شهر مشهد یکی از راه‌یافتگان به هیات‌رئیس فدراسیون فوتبال به شمار می‌رود و به این بهانه دقایقی با وی هم‌کلام شدیم. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با احسان اصولی را در ادامه می‌خوانید.

برای حضور در هیات‌رئیسه نامزد و انتخاب شدید. پیش‌بینی می‌کردید؟

این مجمع یکی از رقابتی‌ترین مجامع فدراسیون‌ها محسوب می‌شود، چه در تاریخ ادوار گذشته فدراسیون فوتبال و چه در بین سایر فدراسیون‌ها. درواقع یک انتخابات کاملاً رقابتی را شاهد بودیم. از سال گذشته بعد از استعفای تاج در حالی که قرار بود مجمع انتخاباتی اسفندماه سال ۹۸ برگزار شود که این امر به‌خاطر تدوین اساسنامه جدید لغو و مجمع انتخاباتی به امسال موکول شد، درواقع کلبه انتخابات از همان زمان خورده شد و فضای انتخاباتی و فضای رقابت و پرداختن به موضوع انتخابات فدراسیون فوتبال از همان زمان آغاز شد. در هر صورت یکشنبه صبح این موضوع به سرانجام رسید و بالاخره انتخابات برگزار شد که در این انتخاب در نوع خود سالم، شفاف و براساس اصول اساسنامه مصوب مجمع شکل گرفت و در کمال سلامت برگزار شد، اعضای مجمع نفرت‌مندظر خود را با در نظرگرفتن جمیع ملاحظات و بررسی‌هایی که داشتند، انتخاب کردند و درنهایت نیز به جز سبث انتخابات ریاست، یک هیات‌رئیسه متفاوت از لحاظ میانگین سنی و چه از لحاظ تخصص‌های متنوع و دارای افکار نو و جدید روی کار آمد و امیدواریم بتواند برای ایجاد تحولات بنیادی در فوتبال ایران منشأ اثر خیر شود.

پیش از این مجمع مختلف انتخاباتی بوده فدراسیون فوتبال در غیاب خبرنگاران و با محوریت عدمشفاف‌سازی برای اصحاب رسانه برگزار می‌شد اما یکشنبه همه‌چیز زیر ذره‌بین رسانه‌ها و خبرنگاران بود و به نظر می‌رسد از این جهت این انتخابات یک نقطه‌عطف در تاریخ فدراسیون فوتبال بود.

دقیقا درست می‌گویید همان‌طور که مستحضر هستید همه ناظران فیفا و هم کنفدراسیون فوتبال آسیا به شکل حضوری و اینترنتی این مجمع را زیرنظر داشتند. از سوی دیگر جایگاه اختصاص داده شده برای اصحاب رسانه و حتی اعضای مجمع که یک فضای بزرگ و مناسب و در شأن انتخابات بود در واقع یک نمونه موافی را از برگزاری یک انتخابات رقابتی شفاف و سالم به نمایش گذاشت و من فکر می‌کنم این انتخابات در واقع سطح استاندارد برگزاری انتخابات در مجامع انتخاباتی به‌خصوص فدراسیون فوتبال را دجار تحول کرده و بعد از این دیگر سطح توقع اعضای مجمع و اصحاب رسانه کمتا برگزاری این مجمع نخواهد بود و این خودش باعث تحول بزرگ خواهد شد. این اقدام یک گام نو و روبه جلو بود که جا دارد از همه دست‌اندرکاران که زحمت کشیده و این فضا را فراهم آوردند، تشکر کنم.

قبل از اینکه به فدراسیون جدید برسیم کمی درباره فدراسیون قبلی صحبت کنیم، منتقدانی مثل داریوش مصطفوی می‌گویند مدیران قبلی فوتبال را به ستمی بردند که امروز شاهد ۲۰۰میلیارد بدهی و آدم‌های وابسته به سیاسیون هستیم، چقدر با این موضوع موافقت؟

بازهم خوب است که ایشان بحث سیاسی بودن را پیش کشیده و بحث فوتبال یا غیرفوتبالی

ورزش

شماره ۳۱۶۱

اصولی عضو جدید هیات رئیسه فدراسیون فوتبال:

برنامه‌های جدید روی سیستم عامل قدیمی اجرا نمی‌شوند

به نظر می‌رسد شاید نقشه راه جدیدی تعیین و تدوین شود. چقدر امیدوارید یک خون جدید وارد رگ‌های‌فوتبال کشور شود؟

من هم با این نگاه موافقم بالاخره فضای جدید و هوای جدید و نسل جدید ورود کرده و امیدوارم اتفاقات خوبی هم بیفتند. وقتی به فضای فناوری اطلاعات نگاه می‌کنید، وقتی نسل‌های جدید برنامه‌ها و سیستم‌عامل‌ها می‌آیند این موضوع قابلیت اجرای اپلیکیشن‌ها و برنامه‌های جدید و به‌روزتر را فراهم می‌کند. درواقع برنامه‌های جدید را گاهی نمی‌توان روی سیستم‌عامل‌های قدیم اجرا کرد. فکر می‌کنم نوشدنی که دارد اتفاق می‌افتد نسل جدیدی که ورود کرده که انتخاب مجمع نیز به شمار می‌رود در کنار احترام به گذشتگان و تکریم آنها و پایه و اساس قراردادن کارمان روی تجربیات و زحمات آنها، یک فضای را مهیا خواهد کرد تا همان نگاهی که مدنظر همه است یعنی منتظر اتفاقات نو و جدید باشیم، به وقوع بپیوندد. انتقادی که به فدراسیون قبلی وارد بود مبنی‌بر عدمشفاف‌سازی و تصمیم‌گیری در خفا تا چه اندازه در فدراسیون جدید حل و فصل خواهد شد؟

به شخصه معتقدم باید رو به آینده صحبت کرد اما همین مجمعی که تجربه کردید خودش نشان داد این مطالب دیده و شنیده شده و حتی بدنه فدراسیون در برگزاری این مجمع انتخاباتی شفاف عمل کرد و از این به بعد این موضوع را تداوم خواهیم بخشید و از ابزارهای لازم به‌خصوص در حوزه رسانه استفاده خواهیم کرد. به نظر من رسانه باید آگاه و در جریان باشد و نقد جدی و بدون ترجم نسبت به عملکرد همه بخش‌ها به‌ویژه در فوتبال و حتی در حوزه ورزش داشته باشد. ما باید این موضوع را یک نعمت بدانیم نه اینکه از آن فراری باشیم. باید ظرفیت‌هایمان را بالا ببریم و فضایی وجود داشته باشد که بتوان همه نظرات را شنید که مطمئنا این موضوع از رفتن به سمت خطا جلوگیری به عمل می‌آورد اما اگر موارد و مواضع شفاف نباشد مطمئنا ضربه خطا هم به‌شدت بالا خواهد رفت و در ادامه اتفاقاتی را به وجود می‌آورد که گاهی جبران‌ناپذیر خواهد بود.

درباره انتخاب عزیزی‌خادم چه صحبتی دارید؟ ایشان از دوستان خوب ما هستند و بهشان تحریک می‌گویم امیدوارم در هیات‌رئیسه جدید فدراسیون با همکاری ما هم و با سایر اعضا یا ایشان به‌عنوان رئیس فدراسیون گام‌های بلندی در برداشت و سعی کنیم یک تصویر نو و جدید و واقع یک نسل جدیدی از نحوه اداره فدراسیون را ان‌شاءالله به نمایش بگذاریم.

رای شما چه کسی بود؟ می‌توانید اعلام کنید؟ خیر!

برای رقابت‌های مقدماتی جام جهانی با کادر فنی فعلی به سرمربیگری اسکوپچ همکاری خواهید کرد یا اعتقاد دیگری دارید؟

قطعاً رفتن به جام جهانی بسیار مهم است اما در واقع فنی اجازه بدیم هیات‌رئیسه جلسه داشته و این مباحث را آنجا داشته باشیم. شنیده می‌شود برخی نهادهای ذی‌ربط بالادستی فدراسیون فوتبال با لغو قانون منع به خدمت‌گیری مربی و بازیکن خارجی موافق هستند. به‌عنوان یک عضو جدید هیات‌رئیسه فدراسیون فوتبال نظرتان در این مورد چیست؟

اجازه دهید در این خصوص بعدا صحبت کنم این یک موضوعی است که درخصوص آن اتفاقا حرف می‌دارم اما می‌خواهم یخنه‌شده صحبت کنم این هم یکی از مواردی است که باید در هیات‌رئیسه آن را آسیب‌شناسی کنیم و بعد در این خصوص صحبت خواهیم کرد.

زلاتکو کرانچار در۶۵ سالگی تسلیم بیماری شد

وداع با کروات عاشق ایران



فوتبال ایران بسیار راضی‌ام. من ۶ سال در این کشور حضور داشتم و عاشق آنجا بودم. با سپاهان فاتح دو جام شدم و با تیم زیر ۲۳ سال این کشور نیز توانستم به بازی‌های آسیایی صعود کنم. در آن مسابقات تیم برتر راهی المپیک می‌شدند. درحال‌حاضر تصمیم گرفتم به خانه برگردم و کمی استراحت کنم. در این مدت وینفرد شفر آلمانی از استقلال و برانکو ایوانکوویچ که سه قهرمانی با پرسپولیس کسب کرده بود و تیم را به فینال لیگ قهرمانان آسیا رسانده بود، از ایران رفتند و من هم تصمیم گرفتم به کرواسی برگردم. یکی از آرزوهایم این است که روزی دوباره در تیم ملی کرواسی مربیگری کنم و عاشق حضور در این تیم هستم. البته در شرایط عادی این تصمیم به مدیران فدراسیون و سایر افراد تصمیم‌گیرنده بستگی دارد.»

خنده‌های تلخ محمود فکری بعد از استعفا

او با مدیران استقلال به کجا کشیده است، پاسخ داد: هیچ اتفاقی نیفتاد و ان شالله خیر است. فکری درباره اینکه آیا اتفاق رخ داده برای او خیر است یا باشگاه، گفت: «ان شالله برای همه خیر است.

او سپس در پاسخ به این سوال که آیا از استقلال جدا شده است، گفت: «بله جدا شده ام.» سرمربی سابق استقلال درخصوص اینکه آیا بر سر تمرین امروز آبی پوشان حاضر می شود نیز گفت: «تخیر استعفا دادم و دیگر همه چیز تمام شد.»

فکری در مقابل اصرار خبرنگاران که پیرامون

محمود فکری از صبح سه شنبه در جلسه ای با احمد مددی مدیرعامل استقلال حضور پیدا کرد و در نهایت دو طرف به توافق رسیدند تا سرمربی آبی پوشان از هدایت این تیم کنار برود.

پس از پایان این جلسه و در حالیکه محمود فکری که از ساختمان باشگاه استقلال خارج می شد، در مقابل میکروفن های خبرنگاران قرار گرفت ولی بدون اهمیت به این موضوع، سوار خودروی شخصی اش شد.

او در پاسخ به این سوال که بالاخره جلسه